

تأثیر زمان و مکان در قوانین

« ۱۰ »

ممکن است گفته شود که تعاریف و اصطلاحات و حدود و قیودی که امروز معمول و مصطلح است در اثر پیشرفت تمدن و فرهنگ بشری پیدا شده و در زمان‌های گذشته وجود نداشته برای قانون گزار هم غیر ممکن بوده که بتواند اینگونه امور را در افکار مردم آن روز رسوخ دهد و بانان حقایق را چنانکه هست بنمایاند.

این ایراد تا حدی درست ولی بطور کلی راجب نیست زیرا ما در این قوانین باصول و اصطلاحاتی برخورد می‌نمائیم که برای مردم آن روز هم مفید و قابل فهم نبوده و تنها جهت سرگرمی و تفریح مناسب بوده است در صورتیکه قانون گزاران را مفید و نافع میدانسته است.

میگویند « سولن » گفته که قوانین او بهترین و کاملترین قوانینی است که ممکن بود برای مردم « آتن » وضع نمود ، و قانون گزارانی که در نتیجه اصلاح قوانین تأخیر و تسامح می‌ورزند بهمین گفته سولن استناد میکنند ولیکن من گمان نمیکنم که که سولن با همه معروفیت و شهرتی که از حیث فضل و دانش در میان مردم یونان داشته ، قادر بوضع بهترین قوانین بوده است .

زیرا من در میان تمام فلاسفه یونان کسی را نمی‌شناسم که در مبانی و اصول صحیح قانون‌گذاری اطلاعات کامل و معرفت جامعی داشته باشد ولی دلیلی هم ندارم که سولون در این موضوع واردتر و روشن‌تر از دیگران بوده است بلکه اگر چنین می‌بود مسلماً از آثار وی مشهود میگردد و عقاید حقوقی او که گمان میکنند نمونه کمال و سرمشق آیندگان میباشد بماهم میرسد و مایه معروفیت بیشتری برای او میگردد.

معدالک می‌توان گفت که سخن سولون درباره بعضی از قوانین وی یعنی قوانین مربوطه بمبای و اساس حکومت‌ها صحیح بوده است ، چه ، اساس و تشکیلات حکومت‌ها قابل تغییر و تبدیل بوده و برخلاف قوانین مدنی و جزائی که مربوط بمنابع و عواید و آداب و رسوم مردم میباشد و هیچگونه اختیار و سلیقه شخصی نمی‌تواند در آن دخالتی داشته باشد ، اختیار و سلیقه شخصی در آن زیاد مؤثر است و چون ممکن است مردم آتن که بر مبنای طبیعت حکومت‌های دمکراتیک به تعصب عادت کرده و نمی‌توانسته‌اند در تحت حکومتی مانند حکومت‌های مقدونیه یا جمهوریهای دیگر یونان یا ایتالیا باسعادت و آسایش زندگی کنند ، سولن حکومت و تشکیلات مخصوصی برای آنها پیش بینی کرده باشد .

چنانکه گفته شد این نوع تغییرات بدون اینکه بمنافع عمومی خللی وارد آورد ، امکان پذیر میباشد و بعلاوه آنچه از سخن سولن استنباط می‌شود این است که خواسته است

تأثیر زمان و مکان در قوانین

بگوید قانونی که برای ملتی نیمه وحشی مانند ملت آتن وضع می شود ممکن نیست برای ملت های متقدم قابل استفاده باشد و هرگز نمی توانند از آن نتیجه خوب بگیرند و از این سخن نباید چنین نتیجه گرفت که قوانین ناقص نافع تر از قوانین کامل می باشد.

ممکن است مردم آتن روی تعصب و اوهام خود قانون کامل تر از قوانین خود را نمی پذیرفته اند و این دلیل آن نیست که بگوئیم قوانین آنها کاملتر از قوانین دیگر بوده است !

خلاصه چنین بنظر میرسد که سخن سولن از روی تأثر و تأسف بوده و خواسته از این بیان و مثال وضع مردم آتن و اوضاع اجتماعی آنها را روشن کرده باشد و منظورش این نبوده که از روی اراده و عقیده یک اصل کلی و قاعده ثابتی وضع کند که مردم پس از او بان توسل جویندا

قسمت دوم - نگاهی به آینده

آیا بهترین قانون امروز ، ممکن است در آینده نیز بهترین قانون بشمار آید ؟

یکی از مسائل مهم فهم این نکته است که وقتی انسان از لحاظ نظری و تئوری در علم قانون گذاری بعد کمال فکری و ذهنی رسید ، ترقی و تکامل در نظرش غیر محدود خواهد شد ، بدین جهت قانونی که امروز در نظر اول کامل می نماید در نظر اخلاف او ناقص خواهد آمد ، چنانکه قوانین گذشته امروز بدیده او ناقص می آید.

نویسنده کتاب « خوش بختی عمومی » میگوید : « وضع بشر از آغاز خلقت تاکنون رویه نیکی و خوش بختی و سعادت پیش رفته است و با لااقل قرن حاضر بهتر از قرون گذشته بر او میگذرد بنا بر این می توان گفت قرن های آینده نیز بهتر از امروز خواهد بود. »
دکتر بریسنلی در آرزوهای خود چنین گفته است : « بشر بزودی بدرجه ای از سعادت و نیک بختی خواهد رسید که امروز تصور آن هم محال می باشد ، فرهنگ ترقی و توسعه خواهد یافت ، اخلاق عمومی تزکیه خواهد شد ، قوانین تنقیح و کامل خواهند گردید و خلاصه درهای جدید از خوش بختی و سعادت بروی مردم جهان باز و کلیه مصائب و بدبختی ها از میان خواهد رفت. »

اگر ما بظاهر این آرزوهای شیرین و دور و دراز آینده نگاه کنیم می بینیم خیلی شبیه به تخیلات شاعرانه است و یا مانند افکار مللی است که در دوره طفولیت نوع انسانی زندگی میکنند !

با اینکه امید به سعادت و خوش بختی آینده موجب فعالیت و کوشش در جریان زندگی و آزیاس و نویندی و تزلزل اراده نافع تر و مفیدتر است. معذکک چون مقصود ما بحث و تحقیق در امور و بیان حقایق می باشد ناچار باید در آن بررسی دقیق نمود و واقع را چنانکه هست لازم است بیان کنیم ، در قضایای عقلی شایسته نیست راه تصور و خیال پیش گیریم و حقایق را با اوهام مخلوط کنیم.

تأثیر زمان و مکان در قوانین

بنا بر این عقیده من بی بردن به مبنای صحیح عقاید دانشمندان مذکور که آرزوهای شیرین خود را بر پایه آن استوار کرده اند و معتقدند که بشر در آینده بدرجه ای از خوش بختی نایل خواهد گردید که برای مردم امروز حتی تصور آن هم محال میباشد، غیر مقدر و غیر معقول بنظر میرسد.

زیرا کلیه وسائل و عوامل لازمه آن سعادت و نیک بختی امروز هم برای ما معلوم و نکته ای از آن بر ما مخفی و مکتوم نیست و بشر آینده نیز که مورد نظر این دانشمندان میباشد از جنس ما خواهند بود و مانند ما خلق خواهند شد، در مناطقی زندگی خواهند کرد که ما امروز در آن زندگی می نماییم، حواس و ادراکات، منابع شعور و فهم آنان با ما اختلاف و تفاوتی نخواهد داشت، منشأ خوشی و منبع رنج برای ما و آنها یکی است، ماهم امروز می توانیم عالی ترین درجات سعادت و یا بدترین مراتب بدبختی را که ممکن است بشر از آن برخوردار و یا بآن گرفتار شود، پیش بینی کنیم و بحقیقت آن واقف باشیم.

اگر برای بشر های آینده حواس دیگری غیر از حواس ما خلق شود البته اعتراض ما از میان خواهد رفت و دیگر ایرادی نخواهیم داشت، لیکن در این صورت چنین بشرهائی دیگر موضوع بحث ما نخواهند بود، زیرا آنها دیگر از لحاظ خلقت کاملاً از ما خواهند بود و اندیشه و افکار دیگری خواهند داشت!

بنا بر این تصور نمی رود که از لحاظ حقیقت و واقعیت تکامل قوانین و ترقی فرهنگ ملل بدرجه ای از کمال برسد که صفات و خصایص جدیدی در آنها ایجاد کند و او را بسعادت و خوش بختی کامل برساند و حقیقتاً وصول بکمال و سعادت مطلق جامه عمل پیوشد. کسانی که مدعی حصول بچنین سعادت غیر متناهی هستند لازم است که طرق وصول و حصول آن را هم برای ما بیان نمایند.

ما وقتی می توانیم حکم کنیم که تکامل قوانین موجب خوش بختی کامل و سعادت مطلق بشر میشود که :

تمام جرائم و جنایات از میان برود.

اصول و مبانی کیفری و مجازات حذف شود.

وظیفه هر کسی معین و حقوق مدنی وی بطوری روشن و مشخص گردد که استیفاء و تمتع از آن محتاج بدادرسی و اقامه دعوی نگردد.

وسایل و طرق دادرسی درداد گاه بقدری ساده و آسان گردد که دعاوی بین مردم با سهل ترین راه و ساده ترین تشریفات حل و فصل شده و عدالت واقعی اجرا گردد.

دوایر مشاغل قضائی و دادگستری در عین اقتتاح محدود شود.

ارتش و قوای نظامی ملل اسلحه های خود را بزمین نهند و مطابق معاهدات و قرار دادها نه برطبق غلبه و شکست، یا احتمال عدم وقوع جنگ، بوطن خویش بازگردند.

سلاح های جنگی در جهان تقلیل یابد و جز در مواردی مخصوص و استثنائی از آن استفاده نشود.

تأثیر زمان و مکان در قوانین

تجارت بطوری آزاد گردد که کارهای عمومی که ممکن است چندین نفر در آن شرکت کرده استفاده نمایند در انحصار یک نفر قرار نگیرد، امور اقتصادی از قبیل و حدود و تشریفات زاید و فاسدی که مانع جریان طبیعی ورود و خروج کالاها می باشد آزاد گردد. آزادی صنعت و پیشه و هنر بحد کمال تأمین و مورد تشویق و مساعدت قرار گیرد. قوانین اساسی کامل شوند حقوق و وظائف قوای مختلفه هیئت حاکمه بطور دقیق تعیین و مشخص و حدود اختیارات هر یک بنحو کامل روشن گردد.

ملت پیروی و اطاعت از قوانین را شعار خویش قرار دهد تا نیک بختی و آسایش همه کس که سابقاً بیان کردیم، از خطر تجاوز و تعدی محفوظ و مصون بماند.

قانون که راهنمای زندگی مردم و شالوده بنای اجتماعی است، موجز، واضح، مختصر، دقیق و روشن باشد تا برای هر کس قابل فهم بوده و کوچکترین ابهام یا انحرافی در آن وجود نداشته باشد!

این امور آنند که می توانند سعادت و نیک بختی بزرگ بشر را تأمین نمایند، این امورند که بوسیله آنها کلیه مصائب و آلام و بدبختی هائی که امروز گریبان گیر آدمی است، از بین خواهد رفت، این امورند که کامیابی بشر را تأمین نموده و می توانند محرک دانشمندان و خیر خواهان واقع شوند تا در پیمودن این راه کمال و وصول بسر منزل سعادت سعی و کوشش نمایند، هیچ یک از این امور و وسائل برای ما مجهول و مکتوم نیست بلکه ما بهمه آنها آگاه میباشیم و افکار ما بر آن احاطه کامل دارد.

لیکن افسوس از علم تا عمل و از مقصود تا واقعیت، مسافتی زیاد و اختلافی بسیار وجود دارد. هر کس بیش از آنچه که ما گفتیم چیز دیگری در این موضوع بگوید راه وحی و خیال پیش گرفته و از طریق حقیقت منحرف شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی